

پرداخت دیه

وتغییر محل زندگی

شرط بخشش قاتل

■ **غلامرضا مسکنی**

اعضای خانواده‌ای که فرزندشان در جریان درگیری بر سر موضوعی بیش یا افتاده به قتل رسیده می‌گویند مقتول را به شرط تغییر محل زندگی اش می‌بخشند.

■ ■ ■

بامداد جمعه، پنجم اسفند ماه سال ۱۴۰۱، مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه به تماسی تلفنی دریافت کردند که آنها را به یکی از خیابان‌های نزدیک میدان راه‌آهن تهران کشاند. مردی از درگیری خونینی خبر داده بود که در آن

یک جوان به شدت زخمی شده‌است.

تیمی از مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند. آنها در گوشه‌ای از پیاده‌رو با پیکر خونین مرد جوانی به نام سعید روبه‌رو شدند که آثار ضربات متعدد چاقو روی بدنش به وضوح دیده می‌شد. او در پرتگاه مرگ قرار داشت و خون زیادی از بدنش خارج شده بود.

■ **انتقال به بیمارستان و تحقیق از دوستان**
همزمان با انتقال پیکر خونین مرد جوان به بیمارستان، مأموران از دو دوست وی که حادثه را به پلیس خبر داده بودند، تحقیق کردند.

یکی از دوستان مرد زخمی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «عصر من همراه دوستانم و سعید برای تفریح به باغی در اطراف تهران رفتم. ساعتی قبل به تهران بازگشتم و برای خوردن شام به این محل آمدم. پس از خوردن شام، وقتی می‌خواستیم سوار خودرویمان شویم، سعید صاحب یک مغازه جگرگی را دید که دو شب قبل آنجا جگر خورده بود.»

■ **اختلاف بر سر پرداخت اضافه از کارت بانکی**
وی ادامه داد: «صاحب جگرگی که بهرام نام دار، مبلغ

مرگ غم‌انگیز ۲ کودک در استخر

بازی و شنا در استخر یک ویلای مسکونی در تالش، به حادثه‌ای تلخ تبدیل شد و جان دو کودک خردسسال را گرفت.

همزمان با اعلام گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر غرق شدن دو کودک در استخر یک باب ویلا در یکی از بخش‌های شهرستان تالش، مأموران انتظامی بلافاصله برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد دو کودک پنج و هفت ساله که داخل استخر منزل مشغول بازی و شنا بودند، دچار غرق‌شدگی شده‌اند. این دو کودک پس از خارج شدن از آب، توسط عوامل امدادی به بیمارستان منتقل شدند، اما تلاش کادر درمان برای نجات جان آنها بی‌نتیجه ماند و هر دو جان خود را از دست دادند.

کلاهبرداری‌های

میلیاردی

از نهادهای قانونی

اعضای یک بانده حرفه‌ای جعل و کلاهبرداری که با سوءاستفاده از اسناد جعلی و شبیحه بانکی کشور، ۱۰۰میلیارد تومان از شرکت‌ها و نهاده‌ها کلاهبرداری کرده بودند، در عملیات پلیس کهنگیلو به شناسایی و دستگیر شدند.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس کهنگیلویه اعلام کرد اعضای باند هشت نفره با طراحی شبیگه‌ای پیچیده و استفاده از اسناد جعلی متناسب به مقامات قضایی، موفق شده بودند مبالغ کلانی را از چندین شرکت و مجموعه دولتی و عمومی خارج کنند. متهمان با بهره‌گیری از جعل اسناد، تحصیل مال از طریق نامشروع و سوءاستفاده از ظرفیت شبکه بانکی کشور از جمله بانک‌های ملت، سپه، پاسار گاد، ملی، قرض الحسنه مهر ایران، صادرات و تجارت اقدامات مجرمانه خود را پیش می‌بردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی افراد دیگر از جمله تعدادی از کارکنان بانک‌ها، رؤسای بعضی شعب، بیمه‌انکاران، وکلا و برخی کارمندان دستگاه‌های مرتبط نیز در این پرونده نقش داشته‌اند. براساس این گزارش، اعضای این باند همچنین با شگردهای متقلبانه از نهادها و مجموعه‌های بزرگی از جمله آستان قدس رضوی، مس سبزچشمه رفسنجان، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا و برخی مؤسسات و شرکت‌های مطرح کشور کلاهبرداری کرده بودند. پس از وصول گزارش، تیم‌های پلیس آگاهی با همکاری مأموران گمنام امام زمان(عج) وارد عمل شدند و با اقدامات اطلاعاتی، فنی و شگردهای پلیسی، تمامی اعضای باند را در شهرستان کهنگیلویه و مناطق همجوار شناسایی و بازداشت کردند. این مقام انتظامی در پایان گفت: متهمان در جریان بازجویی‌های تخصصی به ۱۰۰میلیارد تومان کلاهبرداری اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده با دستور قضایی روانه زندان شدند.

■ **غلامرضا مسکنی**

مجرم سابقه‌داری که حکم اعدام در پرونده‌اش ثبت شده بود پس از عفو و گذرانسدن دوران محکومیتش از زندان آزاد شد و پس از تشکیل باند در پوشش مأمور پلیس از شهروندان اخاذی می‌کرد. متهم و اعضای باندش پس از دستگیری به اخاذی‌های سریالی اعتراف کردند.

■ ■ ■

همزمان با آغاز جنگ تحمیلی سوم، کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت با شکایت‌هایی از سوی شهروندان روبه‌رو شدند که بررسی‌های آنان می‌داد چند مرد سوار بر خودروی سواری، در پوشش مأمور پلیس راه، جلوی خودروهای مدل بالا را می‌گیرند و به بهانه همکاری با دشمن از رانندگان اخاذی می‌کنند.

شاکیان می‌گفتند این افراد با استفاده از تجهیزات نظامی و کارت‌های جعلی، خود را نیروی انتظامی معرفی می‌کردند و با طرح اتهام‌های امنیتی، رانندگان را می‌ترساندند و سپس اموالشان را می‌گرفتند.

■ **روایت شاکبی؛ ۳۰ میلیون تومان، ساعت و طلا**

یکی از شاکیان که در روزهای پایانی اسفندماه به پلیس مراجعه کرده بود، در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «با خودروی مدل بالایم در یکی از خیابان‌ها در حال رانندگی بودم که ناگهان یک خودروی سواری پژو راهم را سد کرد. چند مرد سرنشین آن بودند که همگی تجهیزات نظامی داشتند. آنها مرا به کناری کشاندند

و یکی از آنها با نشان دادن یک کارت (که بعداً فهمیدم جعلی است) به من گفت گزارش شده که شما با دشمن همکاری می‌کنید و با خودرویتان مهمات حمل کرده‌اید.»

وی ادامه داد: «به آنها گفتم اشتباه گرفته‌اید، اما آنقدر محکم با من صحبت کردند که ترسیدم. گفتند اگر مرا به اداره پلیس منتقل کنند، درگیر در دسر بزرگی خواهم شد، به همین دلیل حاضر شدم هرچه پول دارم به آنها بدهم. آنها ۳۰ میلیون تومان پولی را که همراه داشتم، همراه با ساعت و دستبند طلایم گرفتند و مرا رها کردند. بعدها وقتی موضوع را به یکی از دوستانم گفتم، تازه فهمیدم که آنها پلیس قلابی بودند و به این بهانه از من اخاذی کرده‌اند.»

حوادث

سرویس حوادث، ۶۰۸۵۲۳۰۶



■ **محکومیت به قصاص**

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل، راهی زندان شد. مدتی بعد، کفرخواست پرونده‌اش صادر و برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل شد.

خواهر مقتول، به عنوان تنها اولیای دم، برای قاتل برادرش درخواست قصاص کرد. قضات داد‌گاه نیز متهم را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. رأی داد‌گاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور، برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد.

■ **یک بار پای چوبه دار و تأخیر در اجرا**

نفس‌های قاتل به شماره افتاده بود. واحد صلح و سازش دادسرا با تشکیل جلساتی تلاش کرد رضایت اولیای‌دم را جلب کند، اما تلاش‌ها نتیجه‌ن داد. متهم چندی قبل برای اولین‌بار پای چوبه دار رفت، اما خواهر مقتول به دلایل شخصی در روز اجرا حاضر نشد و قصاص متهم به تعویق افتاد. پس از این ماجرا، تلاش‌های صلح‌یاران همچنان ادامه داشت تا اینکه دیروز، اتفاقی رخ داد که سرنوشت

متهم و خانواده‌اش در جلسه صلح و سازش، شرط خواهر

مقتول را پذیرفتند. بدین ترتیب، قاتلی که در یک قدمی چوبه‌دار بود، با این اقدام خداپسندانه به زندگی دوباره بازگشت.

با وجود گذشت سسال‌ها، هنوز همان جاده‌ها قربانی می‌گیرند و همان خودروها مردم را می‌کشند.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

بررسی پرونده پندرام نشان داد او چند سال قبل به اتهام حمل موادمخدر دستگیر و به اعدام محکوم شده بود، اما پس از مدتی با عفو، حکم اعدام او به ۱۵ سال حبس تبدیل شد. او پس از سبّری کردن دوران محکومیتش، مدتی قبل از زندان آزاد شده و با تشکیل یک باند پنج نفره، دست به اخاذی‌های سریالی زده بود.

■ **دستگیری اعضای باند و اعتراف به اخاذی**
مأموران در ادامه تحقیقات، ابتدا پندرام را دستگیر کردند و سپس با اطلاعات به دست آمده، چهار عضو دیگر باند را که همگی سابقه‌دار بودند، شناسایی و بازداشت کردند.

متهمان در بازجویی‌ها به اخاذی‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات اعضای این باند پنج نفره ادامه دارد.

■ **گفت‌وگو با متهم**

پندرام، سردهسته باند اعتراف کرد در زندان همراه هم‌سولولی‌هایش این باند را تشکیل داده‌است.

پندرام سابقه داری؟
بله، ۱۵ سال قبل به جرم حمل موادمخدر دستگیر شدم.

کی آزاد شدی؟
حکمم اعدام بود، اما عفو خوردم و پس از ۱۵ سال حبس اول اسفندماه سال قبل آزاد شدم.

چه شد که بلافاصله باند را تشکیل دادی؟
ما باند را در زندان تشکیل دادیم. ۹ اسفند که جنگ شروع شد، تصور کردیم در این اوضاع و احوال به راحتی با این شیوه می‌توان اخاذی کرد که شروع کردیم.

فکر نمی‌کردید شناسایی شوید؟
فکر اخاذی می‌کردیم؟

نه، چون خودروی سواری پژو سرتقی بود و از طرفی اوضاع جنگی، در پوشش مأمور پلیس راه، خودروهای مدل بالا را سد و با طرح اتهام‌های امنیتی از آنها اخاذی می‌کردند.

■ **شناسایی سر کرده باند؛ سابقه محکومیت به اعدام**

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مأموران در بررسی دقیق دوربین‌های مدارسته موفق شدند چهره یکی از متهمان را شناسایی کنند. او «پندرام» نام داشت؛ مردی ۶۰ساله که سابقه سنگینی



قاتل را تغییر داد.

■ **روایای برادر؛ بخشش به شرط دیه و تغییر محل زندگی**

در جلسه صلح و سازش، خواهر مقتول با چشمانی اشک‌آلود اعلام کرد ب تعیین شرطی حاضر است قاتل برادرش را ببخشد. او گفت: «من تصمیم داشتم قاتل را قصاص کنم، اما شب قبل از اجرای حکم، برادرم به خواب آمد. از رفتارش فهمیدم او راضی به اجرای حکم نیست.

الان تصمیم گرفتم قاتل را ببخشم، اما او باید دیه پرداخت کند و محل زندگی‌اش را برای همیشه از محله ما به جای دیگری منتقل کند.»

متهم و خانواده‌اش در جلسه صلح و سازش، شرط خواهر مقتول را پذیرفتند. بدین ترتیب، قاتلی که در یک قدمی چوبه‌دار بود، با این اقدام خداپسندانه به زندگی دوباره بازگشت. او به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه خواهد شد.

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل، راهی زندان شد. مدتی بعد، کفرخواست پرونده‌اش صادر و برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل شد.

خواهر مقتول، به عنوان تنها اولیای دم، برای قاتل برادرش درخواست قصاص کرد. قضات داد‌گاه نیز متهم را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. رأی داد‌گاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور، برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد.

■ **یک بار پای چوبه دار و تأخیر در اجرا**

نفس‌های قاتل به شماره افتاده بود. واحد صلح و سازش دادسرا با تشکیل جلساتی تلاش کرد رضایت اولیای‌دم را جلب کند، اما تلاش‌ها نتیجه‌ن داد. متهم چندی قبل برای اولین‌بار پای چوبه دار رفت، اما خواهر مقتول به دلایل شخصی در روز اجرا حاضر نشد و قصاص متهم به تعویق افتاد. پس از این ماجرا، تلاش‌های صلح‌یاران همچنان ادامه داشت تا اینکه دیروز، اتفاقی رخ داد که سرنوشت

متهم و خانواده‌اش در جلسه صلح و سازش، شرط خواهر

مقتول را پذیرفتند. بدین ترتیب، قاتلی که در یک قدمی چوبه‌دار بود، با این اقدام خداپسندانه به زندگی دوباره بازگشت.

با وجود گذشت سسال‌ها، هنوز همان جاده‌ها قربانی می‌گیرند و همان خودروها مردم را می‌کشند.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.

واقعیّت این است که تصادفات رانندگی در ایران، نتیجه سال‌هایی توجّهی، مدیریت ناکارآمد و نبود اراده برای اصلاح است. خودروسازان بدون پاسخگویی به تولید ادامه می‌دهند، جاده‌ها همچنان ناامن باقی مانده‌اند و قوانین بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، قربانی اصلی مردم هستند؛ مردمی که برای سفر، کار، درمان یا دیدار خانواده راهی جاده می‌شوند، اما هرگز باز نمی‌گردند.

این فاجعه زمانی پایان می‌یابد که جان مردم مهم‌تر از منافع اقتصادی، ملاحظات سیاسی و بازی‌های مدیریتی شود. تا آن روز، جاده‌های ایران همچنان داغدار خواهند ماند و آمار مرگ، هر روز بلندتر از دیروز تکرار خواهد شد.

دولت و مجلس در برابر این بحران مسئولیت مستقیم دارند. نمی‌توان هر سال فقط

آمار کشته‌ها را اعلام کرد و بعد همه چیز را به فراموشی سپرد. اگر روزانه ۵۰ نفر در یک حادثه امنیتی یا طبیعی جان می‌باختند، بدون تردید کشور در وضعیت فوق‌العاده قرار

می‌گرفت، اما مرگ تدریجی مردم در جاده‌ها آن قدر تکرار شده که به بخشی عادی از اخبار تبدیل شده‌است.